

ادامه از صفحه ۵

گرانی بلیت مسافران را به جاده کشاند

عبدالهاشم حسن‌نیا، رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، از پیش‌بینی رشد ۸ تا ۱۰ درصدی تردد در نوروز ۹۸ نسبت به تعطیلات نوروز سال گذشته خبر داد و گفت: پیش‌بینی می‌شود تردها در هفته دوم نسبت به هفته اول تعطیلات، هم‌زمان با موج بازگشتی سفرها و تمرکز سفرهای بازگشتی در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۱۱ و ۱۲ فروردین و بخش عمده آنها در روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ فروردین بیشتر باشد و ادامه موج بازگشتی سفرها تا روز شنبه ۱۷ فروردین ادامه یابد.

افزایش ۲۰ درصدی قیمت بلیت

حسن‌نیا در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه میزان حمل‌ونقل عمومی در ایران نسبت به تقاضا اندک است، خبر داده بر همین اساس برای نگهداشت این وسایل، چاره‌ای جز افزایش قیمت نیست. به‌همین‌دلیل هم او می‌گوید امسال در تعطیلات نوروز با افزایش قیمت حدود ۲۰ درصدی، با توجه به مسیر روبه‌رو خواهیم بود که نرخ‌های آن نیز متغیر است. او درباره سفرهای خارجی با اتوبوس نیز خبر می‌دهد، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان از مهم‌ترین مسیرهای خارجی هستند که افزایش قیمت بلیت شامل حال آنها هم می‌شود، اما ترکیه تا این لحظه بیشترین تعداد خرید بلیت را به خود اختصاص داده است.

بنزین، اثرگذارترین بخش سفرهای شخصی
برخی افرادی که پیش‌تر حمل‌ونقل در انواع دیگری را امتحان می‌کردند، به‌دلیل افزایش نرخ بلیت‌ها، به جاده پیوسته‌اند و سفر با خودروی شخصی را برگزیده‌اند. در سفر با خودروهای شخصی، بی‌تردید، نرخ بنزین که با تغییری روبه‌رو نشده یکی از مهم‌ترین ملاک‌های انتخاب این روش برای سفر است. مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران از ذخیره‌سازی مناسب فراورده‌های نفتی در سال جاری برای تأمین سوخت نوروزی مسافران خبر داده و می‌گوید: با توجه به افزایش نرخ بلیت سفرهای هوایی، پیش‌بینی می‌کنیم سفرهای زمینی و مصرف بنزین در تعطیلات و ایام نوروز امسال به نحو چشمگیری افزایش یابد.

ادامه از صفحه ۷

...تصویب چنان قانونی - فارغ از ملیت، نژاد و جنسیت افراد - زندگی اقتصادی ۴۰ میلیون کارگر ساکن آمریکا را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. رهبری این گروه را برنی سندرز برعهده دارد، به همین منظور نیز بیانیه‌ای منتشر کرد. او نوشت چندسال قبل مخالف‌ها مطالبه افزایش دستمزد به ساعتی ۱۵ دلار را مطالبه‌ای رادیکال می‌دانستند، «بااین‌حال جنبش مردمی متشکل از میلیون‌ها کارگر در این کشور پاسخ منفی به این مطالبه را نپذیرفتند». پیش از این نیز؛ یعنی در سپتامبر ۲۰۱۸، بر سر همین مطالبه با ابرشکرت آمازون در افتاد. در زورآزمایی با آمازون پیروز شد. آمازون را واداشت تا دست‌کم ساعتی ۱۵ دلار به کارگراهیش پرداخت کند. در نوامبر ۲۰۱۸ با مطالبه‌ای یکسان به سراغ کمپانی بدنام «وال‌مارت» رفت؛ نزاعشان همچنان ادامه دارد. تا اینجاى کار وال‌مارت امتیازهایی داده است. برنی سندرز اما می‌گوید کافی نیست.او در مارس ۲۰۱۸ تلاش کرد پای ایالات متحده را از جنگ داخلی یمن بیرون بکشد که در آن تلاش شکست خورد. اکتبر ۲۰۱۸ از رسوایی قتل جمال خاشقجی استفاده کرد. بار دیگر ایده پایان‌دادن به دخالت ایالات متحده در بلوای یمن را به میان کشید. در مقاله‌ای برای نیویورک‌تایمز نوشت دخالت آمریکا در آن جنگ پوچ «تصویب کنگره را ندارد» و به این معنا «قانونی نیست». سودجویی دونالد ترامپ را مایه شرمساری دانست. با ارجاع به گزارش تکان‌دهنده وب‌سایت «اینترسپت» (Intercept) از اقتصاد سیاسی جنگ یمن، مایک پمپئو را عروسک خیمه‌شب‌بازی کمپانی اسلحه‌سازی «ری‌تیون» (Raytheon Company) خواند. در همان مقاله وعده داد ماه آینده لایحه شکست‌خورده ماه مارس را دوباره به سنا خواهد فرستاد و به‌عهده‌اش عمل کرد و سیزدهم‌مارس ۲۰۱۹ پیروز شد.نبرد سه سال گذشته سوسیالیست‌های دموکرات علیه وضع موجود بازه‌ای گسترده را دربر می‌گیرد. از کوشش برای اصلاح نظام قضائی تا تلاش به منظور اصلاح نظام مالیاتی کشور به نفع فرودستان و از مبارزه علیه تغییرات آب‌وهوایی تا نبرد با سویه‌های امپریالیستی نظام سیاسی ایالات متحده می‌توان ردپای رهبری این گروه از مردم را دید. آنها بر مترقی‌ترین سنت سیاسی چپ تأکید دارند: جمعیت‌سازی. نتیجه بارگیری اجتماعی‌شان اما صرفا به قانون‌گذاری‌های خرد و کلان محدود نمی‌شود - سوسیالیست‌ها دارند لحن و گفتاری نوین بر میدان سیاست ایالات متحده تحمیل می‌کنند. پیروزی ایدئولوژیکی می‌تواند مهم‌ترین پیروزی آنها باشد.

به‌نام سوسیالیسم

در انتخابات مقدماتی دوره قبل حزب دموکرات، جریان مسلط حزب به مهم‌ترین سرفصل‌های کارزار انتخاباتی برنی سندرز نمی‌داد. بهداشت و درمان همگانی، آموزش عالی رایگان و تعیین حداقل دستمزد را مطالبه‌هایی رادیکال می‌دانستند. با تمامی فشارهای سیاسی جناح چپ در نهایت هیلاری کلinton بهداشت و درمان همگانی و آموزش عالی رایگان را نپذیرفت. بااین‌حال تمامی آن سرفصل‌هایی که رادیکال خوانده می‌شدند، پایه برنامه انتخاباتی نامزدهای دموکرات انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ را تشکیل می‌دهند. چنین رویکردی را انرژی سیاسی جنبش سوسیالیست‌های دموکرات به حزب تحمیل کرد. «موفقیت ما در تغییر ایدئولوژیکی حزب [دموکرات] بیش از آن چیزی است که رؤیای تحقق آن را می‌دیدم». اینها عبارت‌های برنی سندرز است در ژانویه ۲۰۱۹: «جهان تغییر کرده است». لیبرال‌های حزب دموکرات اما در برابر این تغییر ایدئولوژیکی سرسختی نشان می‌دهند. می‌گویند اگرچه برنی سندرز توانست هوایی تازه در حزب بدد، اما تنها «سیاست هویت» می‌تواند ضامن

جهان

برمدار چپ

همبستگی حزبی باشد، نه «سیاست طبقاتی» که شالوده فکر سیاسی سندرز را می‌سازد. رویکردشان تقسیم یکره مردم به واحدهای کوچک است. آنچه می‌گویند پژواک به‌روزشده سفسطه عوام‌فریبانه هیلاری کلinton است که به سیاق استفهام انکاری می‌گفت: «اگر همین فردا بانک‌های بزرگ را در هم بکوبیم، آیا به ختم نژادپرستی و پایان سستم‌های جنسیتی منجر می‌شود؟» تا لحظه نگارش این سطرها انتقاد اصلی لیبرال‌ها و جناح مسلط حزب دموکرات به برنی سندرز این است: تأکید بیش از اندازه‌اش بر سستم‌های طبقاتی، کم‌توجهی به باقی اشکال ستم، ازجمله ستم‌های نژادی و جنسیتی را به همراه می‌آورد. چنان رویکردی، از یک منظر، جزء انتقادهای بجاست. در ابتدای ژانویه ۲۰۱۹ گروهی از زن‌های فعال در کارزار انتخاباتی سندرز در سال ۲۰۱۶، مدعی شدند برخی از مردهای همکارشان به آنها آزار جنسی رسانده‌اند[۳]. واقعیت انکارناپذیر دیگر نقش محوری مردهای سفیدپوست و همچنین نفوق جمعیتی آنها، در کارزار انتخاباتی سناتور سندرز در سال ۲۰۱۶ است. دستاوردهای متاخر نظری و تاریخی چپ ثابت می‌کنند جنبش‌های برابری طلبانه اگر هریک از صور شناخته‌شده تبعیض را در روابط درونی خویش به رسمیت بشناسند، نقش مؤثری در لغو نهایی بهره‌کشی از انسان و طبیعت ایفا نخواهند کرد. بااین‌حال برنی سندرز، حتی به شهادت مخالف‌های سیاسی او، از لحظه آگاهی به این نقص ساختاری در کارزار انتخاباتی‌اش تغییر رویه داد و دست‌به‌کار اصلاح شد. رفتاری بود ناشی از تعهد سیاسی. ارتباط با گروه‌های محلی فعال علیه نابرابری نژادی و جنسیتی محدود به کارزار انتخاباتی ۲۰۱۶ نشد و در سه سال گذشته او با این گروه‌ها ارتباطی مستمر داشته است.لیبرال‌ها هویت سندرز را پیرمردی تعریف می‌کنند سفیدپوست و پیرو استاندارد غالب جنسی. می‌گویند رنگین‌پوست‌ها، زن‌ها و جوان‌ها - در مقام ائتلاف سازنده پایگاه اجتماعی حزب دموکرات - به نمایندگی مرد سال‌خورده سفیدپوست دگرجنس‌خواه تن نخواهند داد. بدنه اجتماعی لیبرال‌ها می‌توانند از روی ساده‌لوحی چنان معنایی را بپذیرند؛ اما مرکزیت حزب دارد آگاهانه به چشم حقیقت خاک می‌پاشد. یکی از سندهای مصادره‌شده از طرف ویکی لیکس نشان می‌دهد کمیته مرکزی حزب دموکرات در سال ۲۰۱۶ یهودی‌بودن سندرز را دستمایه‌ای قرار داد برای تبلیغ منفی علیه او. از سوی دیگر چنان تعریفی، حتی از منظر سیاست هویت، نقص اساسی دارد. برنی سندرز درعین‌حال به دو گروه حاشیه‌ای که تاریخی طولانی از ستم و تبعیض نظام‌مند را تاب آورده‌اند، تعلق دارد: اجتماع مذهبی-نژادی یهود و جامعه سیاسی چپ. این بهانه‌جویی افراطی بالاترین حد ورشکستگی «سیاست هویت» را لو می‌دهد[۴]. تراژدی-کمدی این روزها این است: جو بایدن که هم رقیب سرسختی برای برنی سندرز به حساب می‌آید و هم شانس بالایی برای شکست‌دادن دونالد ترامپ دارد، به علت همین افراط شانس رقابت در انتخابات را از دست داده است- بنا به معیار پلیس‌های سیاست هویت، بایدن هم پیرمردی سفیدپوست و دگرجنس‌خواه است.با همه این تفاسیر پاسخ اصلی جناح چپ به رقبای لیبرال پاسخی نظری است. معتقدند «سیاست طبقاتی» سندرز نه‌تنها به تبعیض نظام‌مند علیه اقلیت‌ها کم‌توجه نیست؛ بلکه قصد ارتقای کیفی مبارزه علیه این دست نابرابری‌ها را دارد. می‌گویند برنی سندرز که در دوره قبل نیز معتقد بود باید پس و پشت تبعیض‌های نژادی و جنسیتی را هدف قرار داد، برابری نژادی و جنسیتی را در گرو تغییر ساختاری می‌داند. یکی از درخشان‌ترین مثال‌ها در این زمینه برنامه عملیاتی سناتور سندرز به منظور اجرای عدالت نژادی است. هشتم اگوست ۲۰۱۵ ستاد انتخاباتی

سندرز برنامه‌ای تنظیم کرده بود برای سخنرانی سناتور در جمع هوادار هایش در شهر سیاتل. شمار جمعیت درخورتوجه بود. هم‌زمان با آغاز سخنرانی سندرز گروهی از فعال‌های جنبش «جان سیاه‌پوست‌ها مهم است» جایگاه سخنرانی را اشغال کردند. برنی به نادیده‌گرفتن سرفصل‌های حیاتی مربوط به اجتماع آفریقایی‌تبارهای آمریکا متهم شد. مراسم آن روز به هم خورد. سناتور صحبت‌های معترض‌ها را شنید، برای هوادارها دست تکان داد و رفت؛ اما دو روز بعد متن برنامه عملیاتی‌اش در حوزه برابری نژادی را منتشر کرد. مشخص بود آن برنامه عملیاتی را از پیش تهیه کرده‌اند. ناظرانی نوشته‌اند تهیه چنان برنامه فکرشده‌ای وقت‌گیر است. بعدتر هیلاری کلinton سه ماه زمان گذاشت تا متنی هم‌تراز با پلتفرم برنی سندرز تنظیم کند؛ ولی نتیجه کار ستاد کلinton به شکلی عیان رقیق‌تر و غیرحرفه‌ای‌تر بود.پلتفرم سندرز همچنان کامل‌ترین برنامه ارائه‌شده در حوزه برابری نژادی محسوب می‌شود. آن پلتفرم اعمال خشونت علیه رنگین‌پوست‌ها را در پنج حوزه دسته‌بندی می‌کند: خشونت فیزیکی، خشونت سیاسی، خشونت قانونی، خشونت اقتصادی و خشونت زست‌محیطی. نسبت هریک از آن خشونت‌ها با مجموعه‌ای از نهادهای حاکم بر جامعه آمریکا تعریف می‌شود. جان کلامش این است: از پلیس تا قوه مجریه و از نهادهای قانون‌گذاری و دستگاه قضائی تا نهادهای بازار آزاد در پاسداری از نابرابری نژادی در خاک آمریکا هم‌داستان‌اند؛ بنابراین سرآغاز تسویه‌حساب نهایی با مسئله نابرابری نژادی جز از طریق تغییرات ساختاری میسر نیست. پیروزی این طرز تلقی در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات و بعدتر در انتخابات سراسری در حکم یک پیروزی ایدئولوژیکی به نفع جریان فکری چپ است. اسلاوی ژیزک در آوریل ۲۰۱۳ نوشت: «پیروزی حقیقی نه با غلبه بر دشمن؛ بلکه هنگامی رخ می‌دهد که حتی خود دشمن زبان تو را به کار گیرد؛ به‌گونه‌ای‌که افکار تو بنیان کل کارزار را شکل دهد»[۵]. سوسیالیست‌های آمریکا در آستانه چنین پیروزی دوران‌سازی قرار گرفته‌اند. هرچند پیروزی نهایی به مواجهه هوشمندانه چپ با پیچیدگی‌های نبرد سیاسی ۱۸ ماه آینده بستگی حیاتی دارد. نیرنگ‌هایی پیچیده و خشونت‌هایی عریان در راه است. با همه اینها نشانه‌هایی روشن نیز دیده می‌شود. وضعیت فعلی آمریکا توأم با بیم و امید است: نخستین جمهوری تاریخ بشر به سوسیالیسم تن خواهد داد یا به بربریت؟

[۱] در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۶۰ اتفاق مشابه رخ داد: نظرسنجی‌های رادیویی به نفع ریچارد نیکسون بود و نظرسنجی‌های تلویزیونی به نفع جان اف کندی. کسانی می‌گویند در آن دوره رادیو ابزار مورد استفاده گروه‌های محافظه‌کارتر و مسن‌تر بود و تلویزیون مورد استفاده ترقی‌خواه‌های جوان. در ۲۰۱۵ تلویزیون جای رادیو را گرفته بود و اینترنت، به شکلی پیچیده‌تر، نقش اجتماعی تلویزیون در دهه ۱۹۶۰ را ایفا می‌کرد.

[۲] The “S” Word: A Short History of an American Tradition …
Socialism، عنوان کتابی به قلم جان نیکلز، روزنامه‌نگار ترقی‌خواه آمریکایی.

[۳] سناتور سوسیالیست بی‌معطلی شجاعت آن گروه از زن‌ها را در طرح مسئله ستود و از آنها عذرخواهی کرد.

[۴] شکست سیاسی «سیاست هویت» در حزب دموکرات پیش‌تر در این گزارش تحلیل شده است: «سویه مستهجن سیاست هویت»: گزارشی از صعود دونالد ترامپ به کاخ سفید، روزنامه «شرق»، شماره ۳۰۱۳.

[۵] «آنچه چپ باید از تاجر بیاموزد: شجاعت ساده تصمیم»، اسلاوی ژیزک، ترجمه امیر گلای، روزنامه «شرق»، شمار، ۱۷۱۵.

ادامه از صفحه ۷

یک جنایت تروریستی دیگر

در ایسن میان تأثیر تعیین‌کننده عملکرد دونالد ترامپ که همه عزم جزم خود را روی این دو‌پدیده ضد انسانی برای کسب منافع امپریالیستی و رقابت با جناح رقیب گذاشته و دیوار بزرگ نامرئی بین «دنیای خوب» آمریکایی با «دنیای شیطانی» جوامع غیرسفیدپوست و غیرمسیحی - یهودی است، اهمیت ویژه و تعیین‌کننده‌ای دارد که در مانیفست عامل حمله نیز بر آن تأکید شده است. متأسفانه در سال‌های اخیر بسیاری از مفاهیم در حوزه فلسفه سیاسی و حقوق بین‌الملل به دلایلی که کاملاً متکی به عملکرد «مراکئیلیستی» رهبران غرب و همدستی ارتجاع منطقه‌ای است، جای خود را به تفسیرهای یک‌جانبه از این مفاهیم جهان‌شمول داده است. چنانچه هم‌اکنون در پشت ذهن بسیاری از مردم در غرب، مفهوم خشونت و تروریسم فقط شامل مسلمانان می‌شود و تازه این در حالی است که ساختارهای سیاسی و رهبران آنان که خود مروج این دیدگاه هم هستند، بیشتر روابط و مناسبات ضدحقوق بشری را هم با دولت‌های استبدادی و تروریست‌پرور حاکم بر جوامع اسلامی دارند. این در حالی است که جهان در سال‌های اخیر هم‌زمان با موج بنیادگرایی اسلامی با بنیادگرایی یهودی، بنیادگرایی مسیحی و بنیادگرایی بودایی هم روبه‌رو بوده که در مقاطع مختلف نمود عینی آن هم مانند همین فاجعه نیوزیلند تیلور عینی داشته است. نگاه و معیارهای دوگانه در این‌باره نه‌تنها هیچ نقش بازدارنده نداشته که در سیکل معکوس موجب تشدید و تسریع این وضعیت در موقعیت‌های متفاوت هم شده است. نیروهای سیاسی و تفکرات جزمی‌ای که از درون آن نژادپرستانی همچون ترامپ، بولسونارو، ویلدر، لوپن و هم‌تایان دیگرشان امروز به رهبران جهانی تبدیل شده‌اند، دنباله همان موجی است که در جهان اسلام امثال «بن لادن»، «ملا عمر»، «ابوبکر بغدادی» و یک صف طولانی از شاخ آفریقا تا خاورمیانه و جنوب آسیا از رهبران بنیادگرای مسلمان حتی حاکم بر جوامع را ردیف کرده است. تا زمانی که با پدیده بنیادگرایی، مهاجرتستیزی و تروریسم نژادی-مذهبی در همه اشکال آن و فراتر از یک مذهب یا نژاد خاص به صورت جهان‌شمول مبارزه نشود و با بستر وجودی چین پدیده‌هایی که ریشه در دیکتاتوری، فقرسازی جوامع، شکاف طبقاتی، فرهنگ ضد ادغامی، ارجحیت منافع اقتصادی بر ثبات و دموکریزاسیون در ابعاد جهانی توجه نشود، همه این حکومت‌ها در فرادای هر حمله تروریستی، فقط «هیاهو برای هیچ» خواهد بود.

بهار

با لبخند تو زیباست

اینترنت با بسته‌های پرترافیک بهاری